



جواهر لعل نهرو و ارزش های تعاونی

دکتر آر. سی. دوی ودی

نهرو شخصاً یک آرمانگرا (ایده آلیست) بود. این ویژگی شخصیتی در همه اندیشه هایش - اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره - انعکاس یافته است. وی از پرشورترین طرفداران و حامیان تعاونیها بود. به گفته خودش:

«در حال حاضر چشم انداز من چشم انداز سرعت بخشیدن به نهضت تعاون به صورت تدریجی ولی همواره رو به جلو نیست - این چیزی است که در نهضت تعاون انجام شده است. نظر من این است که هندوستان، باید با نهضت تعاون، یا در واقع از طریق تعاونگری، به حرکت در آید و به طور کلی تعاونگری در شهر و روستا به فعالیت اساسی مردم تبدیل گردد و به صورت خط فکری مردم در آید.»

نهرو به ایجاد جامعه ای می اندیشید که بر اساس ارزش ها بنا شده باشد و ارزشها راهنمای آن باشند، در آن هیچ کس توسط هیچ شخص یا گروهی استثمار نشود، قدرت های اقتصادی از تمرکز خارج شده به صورت غیر متمرکز اداره شوند، مردم فعالانه در فرایندهای توسعه اجتماعی - اقتصادی مشارکت کنند و هدف همه، گسترش دموکراسی در کل کشور باشد. هدف نهایی او ایجاد سوسیالیسم با ابعاد دموکراتیک بود. تعاونگری، نزدیک ترین حرکت در جهت آرمانهای نهرو را تشکیل می داد، زیرا تمامی آنچه را خواسته او بود، در بر می گرفت.

مفهوم نکته فوق، یعنی «به حرکت در آوردن هندوستان با نهضت یا از طریق تعاون» این است که نهرو در این نهضت نه فقط تعاونگری در تولید، توزیع، دادوستد، حمل و نقل، خدمات تخصصی و حرفه ای و اقدامات زیر بنایی را می دید، بلکه آنچه برای او اهمیت بیشتری داشت این بود که تعاونگری به شیوه ای عادی و لاینفک از رفتار انسانها در ارتباطات روزمره آنها تبدیل گردد. یعنی یک تغییر بزرگ روان شناختی در اندیشه های انسانها بوجود بیاید که بتوان آن را یک نوع انقلاب اجتماعی در ذهن مردم دانست. از این رو، نهرو تعاون

را نوعی فلسفه رفتاری می دید. یعنی رفتاری که کل حیات را در بر بگیرد، غیرشخصی یا برکنار از عواطف و احساسات انسانی نباشد، بلکه این عواطف و احساسات را در جهت بهزیستی هدایت کند. لذا، هر چه تعاون در عمل به کار گرفته شود، احساس سعادت و رضایت تعاونگران زیادتر می شود.

به نظر نهرو می بایست تعاونگری «به یک سبک زیستن» تبدیل شود. در همین رابطه سخنان نهرو در کنفرانس وزرای ایالتی تعاون در ۳۰ اکتبر ۱۹۶۱ در دهلی نو بسیار مهم و به شرح زیر بود:

«اندیشه تعاونگری چیزی فراتر از روشی برای انجام کارها به قصد رسیدن به اقتصاد مرفه است. البته این نهضت جنبه اقتصادی دارد و مانع افزایش فقر و نابرابری می شود. اما چیزی بسیار عمیق تر از این است. تعاونگری یک نوع زیستن، یعنی زیستنی که مسلماً به روش سرمایه داری نیست، صد درصد سوسیالیستی هم نیست، هر چند به سوسیالیسم بیش از کاپیتالیسم (سرمایه داری) نزدیک است. اما در هر صورت یک شیوه زیستن است.»

بنابر این، به نظر نهرو چنانچه تعاونگری به یک شیوه زیستن عمومی تبدیل شود، موضوع «به حرکت در آوردن هندوستان با تعاون و تعاونگری» تحقق پیدا می کند.

ارزش های اساسی

نهرو به ارزش های خاصی می اندیشید که لازم می دید تعاونگری بر مبنای آن شکل گرفته فعالیت هایش در این راستا انجام شود. این ارزش ها را می توان: استقلال، اراده آزاد، همبستگی متقابل اجتماعی، انعطاف پذیری، و خود اتکایی پولی و مالی نامید. و اینک توضیحات مختصری در مورد هر کدام:

اراده آزاد: نهرو با هر نوع اجبار یا پیوستن از روی بی میلی به تعاونی مخالف بود. به نظر او می بایست هر کس از دورن بدون احساس فشار یا اجبار به تعاونی روی بیاورد. این تصمیم ارادی فرد به پیوستن به تعاونی یا نپیوستن به آن است. اگر این تصمیم ارادی باشد، یعنی اراده اش در اتخاذ تصمیم آزاد باشد، علاقه مند خواهد بود در فعالیت های تعاونی متبوع شرکت نماید و علائقش تا آینده ای دور حفظ خواهد شد. در غیر این صورت، اگر به هر دلیل فشار عامل پیوستن او به تعاونی باشد، نسبت به تعاونی علاقه ای نخواهد داشت یا این علاقه اندک خواهد بود. نهرو بارها بر ویژگی ارادی عضویت در تعاونی تأکید کرده است. برای مثال در پیام مفصل خود به کنفرانس وزرای ایالتی تعاون در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۹ در میسور چنین نوشته است:

شایان یاد آوری است که اساس تعاون اراده آزاد است. یعنی تعاونگری نمی تواند تحمیلی باشد.

همچنین در سخنرانی ۱۹ فوریه ۱۹۵۹ در لاک سبھا گفته است:

«تعاونگری باید ماهیتی از نوع اراده آزاد داشته باشد.»

همچنان که از واژه تعاون بر می آید، تعاونگری یک تلاش ارادی است. لذا، استفاده از اجبار ماهیت تعاونگری واقعی را از بین می برد.

در پیام افتتاحیه اش به کنفرانس وزرای ایالتی تعاون در ۳۰ اکتبر ۱۹۶۱ در دهلی نو مجدداً تأکید کرده است:

کلیه فعالیت های تعاونی باید اختیاری باشد.

در هنگام افتتاح سمینار اتحادیه بین المللی تعاون به عنوان «رهبری تعاونی در جنوب شرقی آسیا» که در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۰ در دهلی نو برگزار شد، نهری می گوید:

«چون اصل اساسی تعاونگری مشارکت اختیاری در آن است، نباید تصور کرد که این کار با قلم و کاغذ یا به نیروی اجبار میسر می شود، زیرا در این صورت عمق تعاونگری زیر سؤال قرار می گیرد. این اصل تعاون به تأمین اعتبار و بازاریابی اشاره ندارد. البته اینها لازم است، اما باید در حالی تحقق یابد که تعاونگری به یک شیوه زیستن تبدیل شده باشد. آنچه می بایست در قالب تعاونگری به انجام برسد باید بر سرمایه گذاری ارادی انسانها استوار باشد، زیرا در غیر این صورت نمی توان آن را تعاونگری نامید. باید عنوان دیگری برای آن پیدا کرد.»

نهری در سخنرانی ۲۸ مارس ۱۹۵۹ در لاک سبھا به مقوله اراده آزاد چنین اشاراتی دارد:

«موضوع پذیرش ارادی عضویت، طی چندین دهه مطرح بوده است. این یک موضوع قدیمی است. تا جایی که در قانون اساسی کشور ما تصریح شده عضویت در تعاونی باید با پذیرش اختیاری همراه باشد. اگر قانون اساسی تغییر کند، نمی دانم چه اتفاقی خواهد افتاد. اما تا روزی که قانون اساسی دموکراتیک ما باقی است، این دلوپسی ها و ترس ها بی اساس است، می خواهم از این هم فراتر بروم. در شرایط کنونی هندوستان دشوار، یا بهتر است بگویم غیر ممکن است بتوان چنین تغییری را ایجاد کرد زیرا در کشوری با وسعت هندوستان اجبار کاربرد ندارد. اصلاً نمی توان اجبار ایجاد کرد. می توان قانون گذراند ولی وادار کردن مردم به تبعیت از آن دشوار است زیرا تعداد اینها صدها و میلیون ها نفر است. لذا، بدون ترغیب مردم توفیقی حاصل نمی شود حتی اگر به اجبار متوسل شویم.»

سخنان نهرو در جای دیگر نیز یادآور همین مفهوم کاربرد اجبار در عضویت تعاونی است:

«هر گامی که در جهت تعاونگری برداریم باید در جهت دموکراسی بوده اراده آزاد مردم را مورد توجه قرار دهد. مردم را نمی توان اجبار کرد. ممکن است فردا حکومت عوض شود اما تا روزی که کل رژیم تغییر نکند، و کل ارکان حکومت دگرگون نشود، نمی توان به اجبار متوسل شد، و البته نه قصد تغییر حکومت را داریم، نه استفاده از اجبار را. از این رو آنچه باید انجام شود می بایست بر اراده آزاد مردم و رغبت و رضایت آنان استوار باشد.»

می توان گفت که اصل اراده آزاد با اصول کلی تعاون به تعبیر اتحادیه بین المللی تعاون همخوانی دارد. از شش اصل اتحادیه، اصل اول ماهیت اختیاری عضویت است. (اصول ششگانه عبارتند از: عضویت آزاد و اختیاری، کنترل دموکراتیک، سود اندک سهام، توزیع عادلانه سود سهام، آموزش اعضاء، تعاون در بین تعاونیها). به نظر نهرو اصل نخست از اعتقاد عمیق او به ارزش های دموکراتیک و نگرش دموکراتیک خودش در برابر موضوعات مرتبط با مردم و تأثیر گذار بر آنها ریشه می گیرد.

استقلال. دیگر اصلی که نهرو با اشتیاق و به تکرار یادآور می شد، استقلال تعاونیها در اداره امور خودشان است. به نظر او لازم است احساس اعتماد به نفس در مردم تقویت شود. اگر مردم قدرت تصمیم گیری نداشته باشند و کارمندان دولت یا اشخاص دیگری تعاونیها را اداره کنند، مردم در کارهای تعاونی مشارکت نخواهند کرد. تعدادی از گفته های نهرو چنین است:

در کنفرانس مطبوعاتی ۲۷ نوامبر ۱۹۵۸ در دهلی نو چنین گفته است:

«هم اکنون همه اندیشه های ما بر تعاونی های روستایی و شهری و دادن قدرت و اختیار به آنها برای تصمیم گیری و حتی ارتکاب خطا برای عبرت آموزی، استوار است. این کار از محدود کردن اختیارات و ایجاد ناتوانی در آنها خیلی بهتر است. گاه با خودم می اندیشم که می توان به احساس خوب بودن ذاتی مردم بسیار اعتماد کرد. بدون شک مردم دچار اشتباه می شوند، ولی اگر به آنها آزادی عمل داده شود، به اعتماد به نفس می رسند، در کارها پیشقدم می شوند، کارها را شخصاً انجام می دهند، و در انتظار کمک دولتمردان نمی مانند.»

این اصل استقلال، مانند اصل اراده آزاد، اصل کنترل دموکراتیک از اصول ششگانه اتحادیه بین المللی تعاون را تأیید می کند. نهرو سالها با حکومت بریتانیا برای به قدرت رساندن مردم مبارزه می کرد. لذا، طبیعی بود که خواستار استقلال مردم در تعاونیها باشد، زیرا در این حالت است که اعضای تعاونی از حقوق خود برای

تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند و انفعالی و دریافت‌کننده محض تصمیماتی که در جاهای دیگر گرفته شده باقی نمی‌مانند. تأکید بر ویژگی مستقل تعاونیها انعکاس دیدگاه دموکراتیک نهرو در سازمانهای مرده است.

همبستگی اجتماعی. تشکیل تعاونیهای روستایی بر اساس همبستگی اجتماعی دیدگاه اصلی نهرو بود. به نظر او همبستگی اجتماعی فرصت‌های بهتری برای توفیق تعاونیها فراهم می‌سازد. وی در جاهای مختلف بر این نکته شدیداً تأکید می‌کرد که در زیر چند نمونه آن نقل می‌شود:

«ما درباره نهضت تعاون سخن می‌گوییم. ما درباره تعاونیهای روستایی یا تعاونیهای بزرگتر سخن می‌گوییم. اما علاقه مندییم به این موضوع از منظر بزرگتر نگاه کنم به گونه‌ای که سازمان دهی دوباره مؤسسات روستایی و ساختار جدید اجتماعی را در بر بگیرد. ویژگی اصلی یک تعاون عبارت است از تماس نزدیک، همبستگی اجتماعی و تعهدات متقابل. برای ایجاد تدریجی یک ساختار جدید در جامعه روستایی ما این ویژگی ضرورت حیاتی دارد. و به نوبه خود تعهدی بزرگ است...»

تعاونگری می‌بایست مشوق همبستگی و گردهم‌آیی روستائیان باشد. روستا باید شبیه یک خانواده بزرگ باشد...»

به نظر نهرو توسعه همبستگی اجتماعی در تعاونیها و بوسیله تعاونیها آزمون ماهیت اصیل آنهاست. وی ضمن صحبت در لاک سبحا در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۵۹ به نکات مهم زیر اشاره کرد:

«اساس نهضت تعاون در این است که دولتی نباشد، به خودش اتکا داشته باشد، مستقل باشد، در جهت تماس نزدیکتر و تعهدات متقابل اعضای تعاونی حرکت کند... یک تعاونی واقعی مؤسسه‌ای است که در آن می‌توان مردم را در جهت رشد هدایت کرد و تماس هایشان را زیاده‌تر کرد و تعهدات متقابل همبستگی اجتماعی را ترغیب کرد...»

اتکای به خود. نهرو به این نتیجه رسیده بود که خود اتکایی برای تحقق استقلال ضرورت اساسی دارد. وی بارها تصریح کرده بود که پول دولت و کارمندان دولت نیز برای تحقق استقلال تعاونی لازمند. اما اساس تعاونی همان خودیاری است. غیر این، اگر به کمک نیاز باشد باید این کمک‌ها موقتی باشد نه همیشگی. در غیر این صورت مردم برای ایجاد تعاونی و تقویت درونی آن آنقدرها تلاش نخواهد کرد. تعاونی ممکن است نتواند در بلندمدت به حیات خود ادامه دهد مگر آن که منابع داخلی را تجهیز کند و اعضاء حامی آن باشند. نهرو بارها به این نکته در سخنرانی‌های خود اشاره کرده است.

انعطاف پذیری. دیگر نکته اساسی در تشکیل تعاونی، این است که خشکی و تحجر نباید در آن راه پیدا کند و این نکته را بهانه کنیم که می خواهیم در کل کشور تعاونیهای مشابه داشته باشیم. در هنگام تشکیل تعاونی لازم است شرایط محل مورد توجه قرار گیرد. در بیان این نکته، نهر و تنوعات فرهنگی، اقتصادی، رشد محلی، شرایط متفاوت جغرافیایی، ساختارهای متفاوت اشتغال و مانند آن آگاه بود. شایسته است تعاونیها با نیازها و محیط محلی هماهنگ باشند. این نکته را نهر و بدین ترتیب بیان می دارد:

در سخنرانی ۲۸ مارس ۱۹۵۹ در لاک سبجا با تأکید گفته است:

«رویکرد تشکیل تعاونی نباید بسیار خشک باشد. دور نمای گسترده باید کاملاً شفاف باشد، اما باز هم نباید خشک و متحجر باشد. در یک کشور پهناور همچون هندوستان هیچ رویکر خشکی را در هیچ جا نمی پسندم. گاه رویکرد انسان در برابر یک مزرعه گندم نمی تواند برای مزرعه برنج مناسب باشد. شرایط متفاوت است و رویکردها باید متناسب با شرایط باشند. رویکردها باید انعطاف پذیر بوده، حتماً مرحله به مرحله باشند.»

در افتتاحیه دوازدهمین جلسه شورای عمران ملی در سوم آوریل ۱۹۵۹ نهر و چنین بیان داشت:

«... ناچار شدیم مناطق قبیله ای را جدا کنیم، این بدان معنی است که نمی توانیم قواعد خشک و انعطاف ناپذیر را برای همه مناطق به زور اجرا کنیم. لازم است با هر جا به سبک خودش برخورد کنیم. لازم است تعاونیها انعطاف پذیر باشند اگر چه برخی موارد اساسی را باید همه آنها به صورت قواعد طبیعی بپذیرند.»

باردیگر در تاریخ ۱۲ آوریل سال ۱۹۵۹ در لاک سبجا چنین گفته است:

«بی شک همچنان که زمان می گذرد باید نسبت به این نکته در مورد تعاونیها التفات داشته باشیم که می بایست تعاونیها با هم متفاوت باشند، تغییر کنند، و با شرایط متحول هماهنگ گردند. در این مورد شایسته است انعطاف پذیر باشیم. هیچ نوع رویکرد قاطع یا خشک به دو دلیل مطلوب نیست. اولاً در کشوری همچون هندوستان با تنوعات فراوان آن، داشتن رویکرد قاطع اصلاً عاقلانه نیست. ثانیاً یک نهضت گسترده همچون نهضت تعاون که ۳۶۰ میلیون نفر را در بر می گیرد، نمی تواند خشک باشد. شایسته است گاه به گاه ملزومات این نهضت را بررسی کنیم.»

اما انعطاف پذیری، یک مفهوم و یک محدوده دارد. انعطاف پذیری نمی تواند تا بی نهایت ادامه پیدا کند. این همان سخنی است که نهر و می گوید:

«در عین انعطاف، شایسته است انعطاف پذیری آنقدر ادامه پیدا نکند که به یک کل مبهم تبدیل گردد. این اصلاً خوب نیست. از این رو، می بایست از ماهیت نهضت تعاون همزمان با اشاعه آن در مناطق روستایی اندیشه ای صحیح داشته باشیم.»

وی باز هم در این زمینه می گوید:

«دوست نداریم چیزی عرضه کنیم که خشک و قاطع باشد به طوری که با کل هندوستان همخوانی داشته باشد اما قبایل را شامل نشود. از این رو، لازم است در مناطق قبیله ای تعاونیهایی داشته باشیم که بشرايط هماهنگ باشد، زیرا احساسات این مردم و سازمانهای آنها بسیار حساس است و لذا تعاونیهای ما باید این احساسات و سازماندهی همسو باشد.»

همچنین، در هندوستان مناطق عقب افتاده دیگری نیز وجود دارد و باید اصول تعاون را به سبک خاصی در این مناطق اجرا نماییم... این نکته ای نیست که بتوانن به صورت شفاهی درباره آن بحث کرد، بلکه می بایست هر مورد یا جنبه آن جداگانه مورد توجه و بررسی قرار گیرد.»

در افتتاحیه سمینار اتحادیه بین المللی تعاون با عنوان رهبری تعاون در جنوب شرقی آسیا، نهرو بر ضرورت انعطاف پذیری و همچنین استفاده از روش آزمایش و خطا تأکید کرد و گفت:

«هم اکنون بسیاری از شما ممکن است بلافاصله بگویند که این نوع توضیحات جغرافیایی از تعاون با چگونگی رشد تعاونیها همخوانی ندارد. تعاونیها بر اساس انواع مشاغل بوجود آمده و رشد کرده اند. ما تعاونیهای مرتبط را حرفه داشته ایم و خواهیم داشت- اعم از اینکه به حرفه بافندگی یا خیاطی و امثال آن مربوط باشند. در هر صورت، همچنان که یک حرفه در یک روستا گسترش پیدا کرد، لازم است سازماندهی شود. اما در اینجا باید به طریقی متفاوت با کل نهضت تعاون اقدام کرد. یک ویژگی آن، این است که نباید خشک و قاطع به قضایا نگاه کرد. برداشت ما عمدتاً باید آزمایش و خطا باشد. به تجربه یاد می گیریم که چه چیزهایی را باید تغییر داد. اما نمی توان انتظار کشید، هر چند حرکت آهسته مطلوب است. مشکلات بزرگی بر سر راه ما وجود دارد و در عین حال ضرورت دارد این مشکلات سریعاً حل شوند. لذا، در اینجا به چیزی می اندیشیم که ذاتاً یک انقلاب در مناطق روستایی بوده هر دو جنبه اقتصادی و اداری آن را شامل می شود.»

مطالب فوق به دو نکته مهم منجر گردید: مسأله استقلال که با قوانین تعاونی و ساختارهای آن در ارتباط است؛ و همبستگی اجتماعی که به حجم شرکت تعاونی روستایی مربوط می شود. نهرو با توجه به اصول موضوعه به هر دوی این مسایل می اندیشید تا بتوان براساس آن تعاونیهایی بر مبنای سازمانهایی مردمی پایه گذاری کرد. دیدگاههای نهرو را می توان به صورت زیر مطرح کرد.

مقررات تعاونی

نهر و مدتها پیش از استقلال هندوستان بر این باور بود که قوانین تعاونی نقش عمده ای در جلوگیری از رشد نهضت تعاون دارند زیرا ماهیت آنها بازدارندگی است و هدف آنها فراهم ساختن امکانات کنترل هر چه شدیدتر دولت بر تعاونیها. به اعتقاد او برای رسیدن به استقلال واقعی می بایست تعاونیهای روستایی تغییر کنند تا ماهیت تعاونیها تقویت شود و در عین حال دخالت کارکنان دولت در آنها به حداقل برسد. ذیلاً نکاتی از او نقل می شود.

در کنفرانس مطبوعاتی ۱۲ فوریه ۱۹۵۹ در دهلی چنین اظهار داشت:

«لازم است قوانین جاری چنان تغییر کنند که ساده تر بتوان به تشکیل تعاونی اقدام کرد البته می بایست تمامی مشکلات و موانع تشکیل تعاونی رفع شود. برای مثال هم اکنون صاحبان ملک یا منابع نقدی در تعاونیها پذیرفته می شوند. این اشتباه است. ما می خواهیم همه روستائیان، اعم از فقیر و غنی، عضو تعاونی باشند. در غیر این صورت فقط تعاونی در خدمت داراها خواهد بود و ندارها فرصت پیشرفت نخواهند داشت.»

همچنین، ضمن سخنرانی در لاک سبھا که به درخواست وزارت عمران اجتماعی و تعاون در ۱۲ آوریل ۱۹۵۹ تشکیل شده بود، گفت:

«قبلاً بارها اظهار شده که لازم است قوانین تعاونی ساده تر نوشته شود. و البته برخی از آنها ساده شده است. دیده ایم که در ساده کردن قوانین آنچه اهمیت زیادتری دارد سهولت اجرای آنها است. کاملاً متقاعد شده ایم که ماهیت دولتی تعاونیها می تواند مانع پیشرفت باشد. پس تعاونیها زمانی رشد می کنند که به اراده خودشان کار کنند. در واقع، نهر و دو تغییر را در قوانین پیش بینی می کرد:

(۱) در جهت توانمند سازی افراد نادر برای داشتن امنیت در جهت پیوستن به تعاونیها تا بتوانند از تسهیلات آنها استفاده کنند؛

(۲) از بین بردن ماهیت دولتی تعاونیها.

هردوی این اقدامات برای تحقق استقلال تعاونیهای هندوستان ضرورت داشت.

دامنه وسعت تعاونی روستایی

به نظر نهرو تمامی اعضای تعاونی باید همدیگر را بشناسند، با نیازها و دیدگاههای یکدیگر آشنا باشند، و خصوصیات شخصیتی و نگرش نسبت به ارزش های همدیگر را بشناسند، زیرا این اطلاعات شفاهی و عملیاتی در تشکیل تعاونی بسیار سودمندند. تعاونی در صورتی می تواند به رشد همبستگی اجتماعی منجر گردد که اعضای آن همدیگر را بشناسند. به عقیده نهرو تحقق این امر با تشکیل تعاونیهای کوچک در حد روستا یا جامعه محل امکان پذیر است. در یک تعاونی بزرگ شامل چندین روستا و تعدادی زیادی عضو به دشواری می توان به این قبیل تماسها بین فردی- به ویژه در بافت کنونی روستاهای هندوستان- دست یافت. نهرو مرتباً و اکیداً یادآور شده که تعاونی روستایی باید کوچک باشد تا بتوان از مزایا و فواید آن بهره مند شد. این سخنان با دیدگاه او در مورد وجود مدرسه، دفتر سیاسی، دموکراسی اقتصادی و اجتماعی، آن هم همگی در سطح عوام الناس دقیقاً همخوانی دارد.

هنگامی که به پیشنهاد کمیته بررسی اعتبارات روستایی تعاونیهای بزرگ ایجاد شد، نهرو این کار را اشتباه اعلام کرد. وی با تأسف می گفت که اصل اساسی تعاونی روستایی وسعت تعاونی، همبستگی اجتماعی، شناخت متقابل و تفاهم است ولی تشکیل تعاونیهای بزرگ اینها را از بین می برد. وی بلافاصله با این اقدام مخالفت کرد. در زمان افتتاح کنگره تعاون هندوستان در ۱۲ آوریل ۱۹۵۸ در دهلی نو نهرو سخنانی شجاعانه و حیاتی بیان کرد:

«می خواهم نکته ای را نزد شما اعتراف کنم: به نظرم دولت در پذیرش برخی از تصمیمات کمیته برای اعتبارات روستایی اشتباه کرده است. بابت این اتفاق متأسفم.

من نیز به اندازه هر شخص دیگری مسؤول این اتفاق هستم. هر چه بیشتر در این باره فکر می کنم بیشتر متقاعد می شوم که برداشت کمیته مذکور در بعضی از جهات درست نبوده و ممکن است نهضت تعاون کشور را به غلط هدایت کند.»

این مسیر غلط چه بود؟ به نظر نهرو:

«برداشت کمیته بر بی اعتمادی به مردم استوار بود، آنها را فاقد صلاحیت می پنداشت، تصور می کرد نمی توانند برای خودشان کاری انجام دهند، و لذا لازم است دولتمردان به آنها کمک کنند... البته تعاونیها به پول دولت نیاز دارند زیرا تعاونیهای کوچک سرمایه کافی یا اطلاعات فنی وسیع ندارند و در نتیجه دولت باید به تعاونیها کمک کند. اما در مورد پیشنهاد نخست- که به نظرم هدف خاصی را دنبال می کرده- باید گفت که

اشتباه بوده و راه را به غلط نشان داده است. از زمانی که متوجه این نکته شدم مرتباً هشدار داده ام، ولی در شرایط کنونی علاقه مندم اشاره کنم که این پیشنهاد ممکن است موقتاً و در بعضی از نقاط مزایایی به دنبال داشته باشد، ولی در مجموع نهضت تعاون رابه راهی می کشاند که با فلسفه این نهضت در تضاد است...

به نظر من تمایل براین است که به استناد گزارش کمیته یاده شده تعاونیهای کوچک را منحل و به جای آنها تعاونیهای بزرگ ایجاد کنند. بحث ماورای این دیدگاه آن است که تعاونیهای بزرگ منابع مالی بیشتری دارند، می توانند کارکنان تحصیل کرده به خدمت بگیرند، و بهتر کار کنند. باز هم می گویم که گاهی ممکن است این استدلال درست باشد، اما نیل به نتایج موقت ممکن است زیانهایی در بلند مدت داشته باشد. این پیشنهاد معلول ذهنیتی است که تعاونی را خودکفا و مستقل نمی پسندد، علاقه ای به این ندارد که تعاونگران یکدیگر را بشناسند و اطلاعات شان را مبادله کنند. از این رو، آن را غلط می دانم و مجدداً یادآور می شوم که انگیزه زیر بنایی آن سنت گسترده جامعه ما مبنی بر اتکای به دولت است...»

نهر و دلایل پشت پرده پیشنهاد مذکور را به درستی می شناخت و به همین دلیل اظهار داشت:

«چرا باید تعاونی کوچک باشد؟ به دلایل متعدد. هرچه تعاونی بزرگتر باشد، اعضای آن کمتر یکدیگر را می شناسند. در نتیجه، روزی به اینجا می رسیم که اعضای آن یکدیگر را نمی شناسند و نمی توانند مددکار همدیگر باشند. البته در سطوح بالاتر ناشناخته بودن خوب است، اما در سطح یک روستا اعتماد و همکاری متقابل در تسهیل کارها بسیار مؤثر است. به همین دلیل به نظرم باید تعاونیهای روستایی کوچک باشند. البته ممکن است یک تعاونی به یک تا سه روستای همجوار تعلق داشته باشد. حتی می توان تشکیلات گسترده تری برای اینها تعریف کرد. اما سودمندی تعاونی در این است که به یک روستا محدود باشد.»

در یک کنفرانس مطبوعاتی که در ۷ نوامبر ۱۹۵۸ در دهلی نو برگزار شد، نهر و گفت:

«هنگامی که از تعاونی سخن می گویم، منظورم یک تعاونی روستایی است نه بزرگتر از آن؛ یا حداکثر یک تعاونی برای یک تا سه روستای نزدیک به هم ... تکرار می کنم: مفهوم ذهنی من از تعاونی این است که اعضای آن همدیگر را بشناسند. در این صورت افراد خوب از بد شناخته می شوند و روستا و تعاونی آن پیشرفت می کند؛ این پیشرفت چیزی نیست که فرایندهای پیچیده و قوانین مفصل یا کارمندان عالی رتبه دولتی بتوانند بوجود بیاورند، این پیشرفت یک مسأله کلاً محلی است ...»

به نظر عده ای از مردم تعاونی کوچک سرمایه ای اندک دارد. این درست است، ولی راه حل این است که تعاونیها کوچک یک فدراسیون یا تشکیلاتی مشابه ایجاد کنند ... در هر صورت حل مشکلات انسانها کار ساده ای نیست. لذا، هرچه تعداد افراد زیادتر باشد، مشکلات زیادتر می شود و حل آنها دشوارتر است.»

نهره در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۵۹ ضمن سخنرانی در لاک سیحا مجدداً موضوع تعاونیهای کوچک را مطرح کرد و گفت:

«اگر تعاونی بزرگ باشد، موفق نمی شود. تعاونی نباید به بیش از یک یا دو روستا تعلق داشته باشد زیرا در غیر این صورت تماس های فردی از بین می رود. غریبه هایی در کارها راه پیدا می کنند که مردم آنها را نمی شناسند. در این حال دو اتفاق ممکن است بیفتد: یکی این که احتمال دارد دولت در کارها مداخله کند و من علاقه مندم دخالت دولتمردان در تعاونی به حداقل برسد. دوم اینکه احتمالاً در تعاونیهای بزرگ معدودی زیرک پیدا می شوند و مردم را استثمار می کنند. اما در تعاونیهای کوچک که مردم یکدیگر را می شناسند، نوعی احساس خویشاوندی وجود دارد. به این دلیل خوبها و بدها شناخته شده اند. در این صورت حتی اگر مجادله هایی بین آنها بروز کند، زود رفع می شود. به همین دلیل می گویم که تعاونی باید به یک یا دو روستا تعلق داشته باشد و ده تا دوازده تعاونی یک فدرال تشکیل دهند تا اهداف اقتصادی را متحقق سازد. چنین فدرال یا اتحادیه ای بدان سبب لازم است که تک تک تعاونیهای کوچک نمی توانند وظایفی چنین گسترده را انجام دهند.»

به این ترتیب، می توان گفت که نهره به تعاونیهای کوچک در سطح روستا، و اتحادیه های بزرگتر از تعاونی برای ایجاد ارتباط بین تعاونیها و تقویت همبستگی اجتماعی و مبانی اقتصادی تعاونیها اعتقاد مبرم داشته است.

پیش شرط ه و هشدارها

نگاه نهره به توسعه روش تعاونی محدود نمی شد. او همچنین می توانست پیش شرط های اثر بخشی و توفیق تعاونیها را پیش بینی کند. او بر اطمینان از کارآمدی مدیریت و برکنار بودن از نفوذ احزاب سیاسی و سوء استفاده از تسهیلات موجود در تعاونیها به شدت تأکید می کرد. نقل قولهای زیر به طور اخص اهمیت دارند:

آموزش عمومی و آموزش حرفه ای : در افتتاح جلسه سالانه فدرال اتاقها صنعت و تجارت هندوستان در تاریخ ۷ مارس ۱۹۵۹ نهره گفت:

« یک نکته مهم درباره تعاونیها این است که اگر قرار باشد نهضت تعاون هندوستان موفق شود، و البته باید موفق شود ، لازم است بر پیش شرط های آموزش عمومی و آموزش حرفه ای تکیه نماید. گفتن اینکه «تعاونی درست کنید و به روستائیان اجازه دهید آن را اداره کنند.» درست نیست. اعتراف می کنم که به

آموزش حرفه ای آنقدرها توجه نداشته ایم. لازم است مردم را به دقت آموزش دهیم. این وظیفه همه ماست و هر قدر مردم چنین آموزشی ببینند، نهضت تعاون موفق تر خواهد شد.»

نهر و ضمن صحبت در لاک سبحا پیرامون کمک وزارت تعاون و عمران اجتماعی، در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۵۹ خاطر نشان ساخت:

«... کارکرد تعاونیها مستلزم آموزش حرفه ای و مهارتی است. بی شک این سازمانها به آموزش حرفه ای و مهارتی فراوان نیاز دارد. حتی کارمند ساده یک تعاونی روستایی به آموزش حرفه ای و مهارتی برای محاسبات ساده و حسابداری اولیه نیاز دارد. این وظیفه ای دشوار است. گاه در روستا حتی یک نفر برای انجام این کار پیدا نمی شود. امید است بتوانیم تعداد زیادی از اینها را برای مشاغل مختلف آموزش دهیم. به نظر من بهترین کار این است که برای انجام هر وظیفه، دو نفر داشته باشیم که یکی در سطح روستا به عنوان معلم کار کند و نفر دیگر به عنوان راهنما ده تعاونی را در ده نقطه زیر نظر بگیرد. هنوز سخن گفتن از نظارت چنین کسی بر ۱۵ تعاونی یا بیشتر بسیار زود است. اندیشه وجود انی راهنما معلول نهضت عمران اجتماعی است. او بخشی از این نهضت است و برای این کار آموزش می بیند. به نظرم تاکنون ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر برای انی منظور آموزش دیده اند. شاید این وظیفه ای سنگین باشد و باید حجم آن کاهش یابد و اما معلم روستا، به نظر من باید مسؤول کارهای اداری و حسابداری تعاونی باشد، هر چند لازم است پیرامون همه اینها بررسی و کار شود.»

نهر و ضمن سخنرانی در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۵۹ در دهلی نو در جلسه اتحادیه تعاونیها هندوستان چنین گفت: «لازم است هم دولت مرکزی و هم دولت های ایالتی برنامه های آموزش حرفه ای را به اجرا بگذارند. همچنین ، شایسته است کنگره اهمیت کنونی این آموزش ها را ارتقا بخشد. اگر چنین نکنیم، مغز کارکنان و کارگران برای انجام طرح ها پرورش نخواهد یافت و افرادی خشک (متحجر) خواهند بود. لازم است مردم عادی برای شرکت در دوره های آموزش حرفه ای تشویق شوند.»

نهر و در پیام ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۹ به وزرای ایالتی تعاونیها که در میسور برگزار شد، آورده است:

«... تاکنون بارها بر اهمیت و ضرورت آموزش حرفه ای تعاونیها تأکید کرده ام. هر قدر در این زمینه شوق و تلاش نشان دهیم بی فایده است مگر آن که افراد لازم را برای اداره شرکتهای تعاونی آموزش دهیم. این آموزش نه فقط باید در سطوح بالا باشد، بلکه می بایست آموزش های محدود کشاورزان و پیشه وران را نیز شامل شود.»

نهر و ضمن صحبت در برنامه سوم راجیاسیحا در ۲۹ اوت ۱۹۶۱ می گوید:

«ابتدا باید مردم نحوه انجام کارها را یاد بگیرند. این مهمترین اقدام است. یکی از دلایل عدم موفقیت تعاونیها، نبود آموزش حرفه ای بوده است. حتی تعاونیهای خدمات نیز به مقادیر آموزش های محدود کشاورزان و پیشه وران را نیز شامل شود.»

آموزش تعاون در مدرسه: نهر و به این نکته پی برده بود که آشنایی نسل جوان با فلسفه تعاون و مفهوم آن از سنین پایین هم مهم و هم لازم است اگر اندیشه ای در دوره نقش پذیری به کسی ارائه شود، در رفتارهای بعدی وی در عرصه های حیات مؤثر خواهد بود. نهر و در اتحادیه یاد شده چنین یاد آوری کرد:

«لازم است تعاونگری به عنوان یک درس، آن هم به زبان ساده در مدرسه عرضه شود و جزء دروس اصلی مدرسه باشد، چرا که توفیق تعاونی در مدیریت آن است نه در دخالت سیاستمداران.»

لذا، می توان گفت که نهر و تعاونگری را نهضتی غیر سیاسی می دید، زیرا هدف تشکیل تعاونی بر طرف کردن نیازهای اقتصادی انسان است. وی مشتاق بود تعاونیها از احزاب سیاسی دور بمانند تا در چنین نقشی ظاهر شوند. وی در کنفرانس ۷ نوامبر ۱۹۵۸ در این زمینه چنین اظهار داشت:

«به طور معمول در روستاها و بخش ها از احزاب سیاسی خبری نیست و بعید می دانم این جاها به آن احزاب نیاز داشته باشند. تعاونی پایگاه و جایگاهی خاص خود دارد.»

در یک کنفرانس خبری دیگر در ۶ مارس ۱۹۵۹ که باز هم در دهلی نو برگزار شد، نهر و گفت:

«در روستاها چه سازمانهایی فعالیت دارند؟ واحدهای معدود اداری. بسیار خوب پس تعاونیها باید به این واحدها اضافه شوند. بدون اینها راه عمران روستایی بسته است... دوست نداریم هیچ یک از احزاب سیاسی در روستاها فعال باشند. در روستاها امکانات برای تعاونگری واقعی فراهم است و این واحدها مسلماً پیشرفت می کنند...»

دیدگاه نهر و نسبت به تعاونیها کاملاً متفاوت بود و انتظار نداشت هیچ کس در کار آنها دخالت کند.

هشدار در برابر استثمار: نهر و روی دیگر این سکه را نیز می دید. یعنی می دید که احتمال دارد عده ای از افراد منافع خودشان را در تعاونی جستجو کنند و از این رو درصدد تأسیس تعاونی یا پیوستن به تعاونی بر آیند. لذا، در برابر این رفتارها هشدار می داد. وی در پیام به کنفرانس وزرای ایالتی تعاون، ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۹، چنین گفت:

«همواره این تمایل وجود داشته، و بی شک هنوز هم وجود دارد و خواهد داشت که کسانی در صدد استثمار مردم از طریق تعاونی باشند. از این رو، باید احتیاط کرد.»

همچنین، در پیام به ملت به مناسبت هفته تعاون یادآور شد:

«توسعه تعاونیهای هندوستان از جمله اولویت های ما بوده است... در این نهضت تنها اعضاء نقش ندارند بلکه کیفیت تعاونیها نیز مطرح است. یعنی لازم است تعاونیها واقعی باشند نه عناوین تو خالی»

بنابر این، باید گفت که نهرو معتقد بود با داشتن پشتوانه قوی آموزشی، مدیران و کارکنان تعاونی می توانند ضامن بقا و سودمندی آن باشند و بتوان گفت که تعاونی در خدمت جامعه است.

رابطه دولت با تعاونیها

نظر نهرو درباره رابطه دولت با تعاونیها چنان منفی بود که رابطه مذکور را «استقبال از مرگ» برای تعاونیها تفسیر کرد؛ این اصطلاح برای درک منظور وی بسیار مرسوم شده است. به عقیده او دولت نباید هیچ دخالتی در تعاونی داشته باشد بلکه لازم است به جای اداره تعاونی، به آن کمک کند.

نهرو بارها پیرامون رابطه دولت با تعاونیها سخن گفته و برای مثال می گوید:

«هر چند سرمایه تعاونیها اندک است، ولی تعاونیها با همین سرمایه های اندک هم می توانند به خوبی کار کنند. اما روستایی عضو تعاونی علاقه ای به اداره تعاون توسط دولت ندارد بلکه علاقه مند است از کمک دولت برخوردار گردد. در عین حال، روستایی مایل نیست کارمندان دولت یا دخالت هایشان ابتکارات او را تنزل دهند.»

علاوه بر مطلب یاد شده که در ۲۴ اوت ۱۹۵۸ در گشایش دهمین گردهمای کنفرانس ملی اقتصاد کشاورزی در میسور ایراد شد، نهرو در جلسه ای عمومی در اریسا باز هم اشاره کرد.

«در اداره تعاونیها نباید کارمندان دولت دخالت داشته باشند، بلکه این وظیفه باید به خود مردم- اعضاء تعاونیها- واگذار شود.»

نهرو در مقاله مورخ نوامبر ۱۹۵۸ در نشریه Kurukshetra نوشت:

«دلتم نمی خواهد کارمندان دولت در تعاونی دخالت کنند. هیچ کس دوست ندارد این کارکنان را در همه جا ببیند، زیرا دستگاه دولتی ابتکارهای کشاورزان را تنزل می دهد.»

در یک جلسه عمومی دیگر به تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۵۸ در احمد آباد، نهر و یادآور شد که «علاقه ای به دخالت کارمندان دولت در تعاونیها ندارد، بلکه بهتر است این سازمانها به ابتکار روستائیان اداره شود.» به علاوه:

«هیچ علاقه ای به ارتباط کارمندان دولت با تعاونیها ندارم. لذا، شایسته است به جای دخالت به تعاونیها کامل کنند. می دانم اداره تعاونیها دشوار است، ولی نباید مرتکب این اشتباه شوند که دولتمردان را در کارها دخالت دهند. بی شک آنچه مردم از اعمال و تجربه های خودشان یاد می گیرند بسیار بیشتر به نفع شان است.»

همچنین، در تاریخ اول مارس ۱۹۵۹ که در برابر عده ای سخن می گفت، چنین یادآور شد:

«دولت به هیچ وجه حق ندارد در این سازمانها (در تعاونیها) دخالت کند.»

نهر و ضمن افتتاح سمینار اتحادیه بین المللی تعاون در جنوب شرق آسیا به تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۰ در دهلی نو گفت:

«در دستور جلسه می بینم که بر پرورش رهبران تعاونی تأکید شده است. راستش من کلمه «رهبر» را دوست ندارم، هر چند مفهوم آن را می پسندم، زیرا بر افرادی آموزش دیده دلالت دارد که می توانند بدون آن رهبر باشند در تعاونی کارهای خوبی انجام دهند. در دنیا هیچ کار خیری بدون آموزش انجام نمی شود هر چند هدف خیر خواهی باشد. هدف ما این نیست که آموزش حرفه ای به صورت کمی توسعه یابد، بلکه هدف اصلی توسعه کیفی آن است، زیرا می خواهیم به کمک آن ساختار جامعه را بدون دخالت مستقیم دولت تغییر دهیم. ما به اصل عضویت ارادی در تعاون اعتقاد راسخ داریم، هر چند ممکن است این اصل گاهی در مقابل دولت قرار گیرد، که در آن صورت باید به طریق مصالحه رفتار شود. یعنی باید بین دولت و تعاونی همسویی ایجاد گردد. به همین دلیل، طبق معمول علاقه مندم از روستا تا ناحیه یا منطقه، کارمندان دولت در تعاونیها دخالت نداشته باشند و در عین حال مشاور و دوست تعاونگران باقی بمانند.»

استقبال از مرگ: سخنان نهر و در کنفرانس سال ۱۹۶۱ مرکب از وزرای تعاونیهای دولتی:

«۶ روز قبل در بمبئی بودم و به سخنرانی در بانک تعاون ماهاراشترا دعوت شدم. در آنجا به واقعیات چندی اشاره کردم. اول تاریخ تأسیس و رشد بانک بود. سپس این نکته که بانک آنقدرها به دولتمردان وابسته نبوده بلکه با توده مردم سروکار داشته است. این بانک به همت افرادی که اسامی آنها را به یاد ندارم به صورت غیر دولتی فعال بوده هر چند تا حدودی دولت به آن کمک کرده است. در عین حال، دولت بریتانیا به این بانک

چندان کمک هم نمی کرد ضمن اینکه علاقه ای به نظارت بر آن نیز نداشت. می خواهم تأکید کنم هیچ چیز کشنده تر از این نیست که دولت بر تعاونیها نظارت کند برای تعاونیها این کار استقبال از مرگ است.

تعاونی نباید در کنترل دولت باشد. کنترل دولت، اعم از خوب یا بد، ماهیت تعاونی را زیر سؤال می برد. بهتر است این را دقیق بفهمیم. اگر اوضاع امروز هندوستان را ملاحظه کنید، خواهید دید که هر جا مردم پیشگام بوده اند و خود را وقف کار کرده اند، نهضت مربوط به شکوفایی و رشد رسیده است. اما در هر جا دولت به «پرستاری» روی آورده چنین شکوفایی و رشدی تحقق نیافته است. معمولاً درست نیست کارهای ایالت های مختلف با هم مقایسه شوند، ولی بد نیست ببینیم برخی از ایالت ها چه خوب پیشرفت کرده اند... این پیشرفت ناگهانی رخ نداده بلکه معلول کار واقعی در سالهای قبل بوده و زیر بنای آن را نهضت های مردمی تشکیل می داده نه سازمانهای دولتی. تکرار می کنم، و شاید بعداً هم تکرار کنم که رابطه دولت و مردم را در تعاونی نمی پسندم و همچنان معتقدم دولت باید به تعاونیها کمک کند.»

این مطالب به روشنی نشان می دهد که نهر و در مورد رابطه دولت با تعاونیها چه نظری داشته است. این عبارت که «چیزی مرگبارتر از این نیست دولت بر تعاونیها کنترل داشته باشد» تقریباً در سطح جهان در به صورت ضرب المثل در آمده تا به عواقب رابطه دولت با تعاونیها از بعد نظارتی، اشاره داشته باشد. هرگاه در این زمینه بحثی مطرح می شود، به سخن نهر و اشاره می کنند. اخیراً در کنفرانس مشورتی نقش دولت در توسعه تعاون در آسیا، که اتحادیه بین المللی تعاون، دفتر منطقه ای آسیا در ۴ تا ۷ ژوئن ۱۹۸۸ در سنگاپور برگزار کرد، در گزارش سازمان بین المللی کار به این کنفرانس، سخن نهر و نقل شده بود.

نکته مذکور به چه چیزی دلالت دارد؟ چه مفهومی دارد؟ پاسخ این است که منعکس کننده ملاحظات نهر و در هندوستان قبل و بعد از استقلال می باشد. این سخن یک فرضیه سازی یا تخیل پردازی صرف نبود. نکته یاد شده به مفهوم واقعیاتی اشاره داشت که از احساسات واقعی مردم عضو تعاونی برخاسته بود. نهر و شرایط تعاونیها را در زمان تسلط انگلیسی ها بر هندوستان دیده و آنچه را می گفت از سال ۱۹۲۹ دیده و اینجا و آنجا به آن اشاره کرده است.

اگر شرایط هندوستان از بعد تاریخی به گونه ای عمیق تجزیه و تحلیل شود، یا وضع موجود اجتماعی - اقتصادی کشور مورد تحلیل قرارگیرد، عمق سخنان نهر و بیش از پیش آشکار می شود.

هنگامی که تعاونی تحت کنترل دولت است روح، منش و روحیه آن، ارزشهای دموکراتیک، نظارت عالیه اعضاء و تمامی چیزهایی که سازمانی را به نام تعاونی از سایر سازمان ها متمایز می سازد. از بین می رود. در این حالت فقط شکل حقوقی آن حفظ می شود زیرا در جایی به عنوان تعاونی به ثبت رسیده است. یعنی

شبهه تام سازمانهای دولتی است که حتی اگر به نحو احسن اداره شود، گردش اقتصادی آن عالی باشد، سود قابل ملاحظه ای حاصل کند، باز هم به مفهوم واقعی کلمه تعاونی نخواهد بود. یا اگر به تعاونی بگویند، مؤسسه ای بایک عنوان بی مسمی خواهد بود. در واقع مؤسسه ای مردمی خواهد بود در حالی که مردم در آن دخالت ندارند. یعنی صاحبان تعاونی حق تصمیم گیری در آن و درباره آن را نخواهند داشت. در این افراد احساس مالکیت یا تعلق خاطر ملاحظه نخواهد شد. به جای اینکه خودشان تصمیم بگیرند، برای آنها تصمیمات گرفته خواهد شد که نوعی تناقض یا معما است. لذا مفهوم اساسی مشارکت از بین خواهد رفت؛ این همان نکته ای است که نهرو «استقبال از مرگ» تصویر کرده است.

در موقع افتتاح روز بین المللی تعاون در ۶ ژوئیه ۱۹۶۳ در دهلی نو نهرو گفت:

«نهضت تعاونی هندوستان به کمک دولت تأسیس شد.

هر چند نفوذ اداری دولت بر تعاونیها کمتر شده، اما هنوز هم دولت به کنترل تعاونیها تمایل دارد حال آن که باید آزادی عمل داشته باشند.»

همچنین، در افتتاحیه کنفرانس وزرای ایالتی عمران اجتماعی در اوت ۱۹۶۳ در دهلی نو نهرو نکات قابل ملاحظه ای اظهار داشت:

« راهی جز این نداریم که به مردم اعتماد کنیم یا هیچ اعتمادی به آنها نداشته باشیم. راه سومی وجود ندارد.

اگر بخواهیم تعاونیها رشد کنند و به عظمت برسند، لازم

است به «دخالت و تقلب و اختلاس کارمندان دولت در تعاونی» پایان داده شود.»

***تعاونی نباید در کنترل دولت باشد. کنترل دولت، اعم از فوب یا بد، ماهیت تعاونی را زیر سؤال می برد. بهتر است این را دقیق بفهمیم. اگر اوضاع امروز هندوستان را ملاحظه کنید، فواید دید که هر جا مردم پیشگام بوده اند و فود را وقف کار کرده اند، نهضت مربوط به شکوفایی و رشد رسیده است. اما در هر جا دولت به «پرستاری» روی آورده چنین شکوفایی و رشدی نیافته است.**

وی اضافه کرد:

«واقعاً عجیب است که هر جا این دخالت‌ها رسوخ کرده، سرعت رشد تعاونیها بسیار کند بوده است. بازهم تکرار می‌کنم که به کنترل دولت بریتانیا علاقه ندارم.» و البته نهر و در زمانهای مختلف از جهات متعدد براین نکته تأکید کرده است.

کمک دولت به تعاونیها

نهر و از کمک دولت به تعاونیها استقبال می‌کرد، اما به شدت هشدار می‌داد که کمک دولت نباید به مداخله و کنترل دولت منجر گردد. به علاوه، این کمک‌ها باید در شرایط کنونی صورت بگیرد (نه اینکه تا آینده دور ادامه یابد).

اگر این ارزشها عملیاتی شود، ماهیت اصیل تعاونیها حفظ خواهد شد. اما در یک دموکراسی دارای احزاب متعدد حاکم همواره سعی دارد تعاونیها را برای دستاوردهای سیاسی «جذب» کند، و این عمل ارزش‌های یاد شده را به شدت تهدید می‌کند. لذا، شایسته است دولتها نکات مورد نظر و هشدارهای نهر و را جدی بگیرند تا ماهیت و ارزش تعاونیها حفظ شود.

